

جرم‌شناسی سبز و جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی^۱

اوی بریسمن^۲، نیگل ساوث^۳

مترجمان: رستم علی اکبری^۴، نادر چمنی^۵

doi: 10.22034/FLJ.2020.111268

چکیده

تمرکز جرم‌شناسی بر جرائم و آسیب‌های مرتکب شده به وسیله و بر علیه انسان‌ها گسترش یافته است. اما تنها از دهه ۱۹۹۰ میلادی قوانین، اهمیت جرائم و آسیب‌های مرتبط با محیط زیست و موجودات غیرانسان را منعکس نمود. امروزه انواع مختلفی از رویکردها و بدنه‌های کار در آن چه که می‌توان به عنوان «جرم‌شناسی سبز» توصیف کرد، مطرح شده است. این مقاله تحقیقات انجام شده روی انواع آسیب و جرم زیست‌محیطی و همچنین جهت‌گیری‌های مختلف زیست‌فلسفی و روش‌های عدالت محور را خلاصه وار بیان می‌کند. این مقاله با مثالی که نشان دهنده راه‌هایی است که در آن‌ها این روش‌ها ممکن است هم پوشانی داشته باشد نتیجه‌گیری می‌کند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی سبز، جرائم زیست‌محیطی، آسیب‌ها.

^۱ - مقاله حاضر ترجمه مقاله Green Criminology and Environmental Crimes and Harms در مجله Sociology Compass شماره ۱۳ ژانویه ۲۰۱۹ می باشد.

DOI: 10.1111/soc4.12650

2- Avi Brisman. Email: avi.brisman@eku.edu

<http://orcid.org/0000-0001-5794-0210>

3 - Nigel South

<http://orcid.org/0000-0001-5742-7257>

۴ - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه (مترجم مسئول)

rostamaliakbari.phd@gmail.com

<http://orcid.org/0000-0002-2916-5613>

۵ - کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه nader.chamani@miilfa.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

مقدمه مترجمان

بحث محیط زیست و بحران‌های ناشی از آلودگی آن، مسئله‌ای می‌باشد که همه جهانیان را به فکر واداشته است. چرا که محیط زیست ارتباطی تنگاتنگ با حیات و سلامت انسان‌ها داشته و آلودگی آن زندگی همه جانداران را تهدید خواهد کرد تا جایی که بسیاری از انواع بیماری‌های جسمی و روانی به ویژه در شهرهای بزرگ ناشی از ناشی از همین آلودگی‌ها بوده و انسان‌ها در معرض مرگ تدریجی قرار گرفته‌اند. جرم‌شناسی در بخشی از مطالعات خود بر مسئله محیط زیست متمرکز شده است و در شاخه‌ای نوین با عنوان جرم‌شناسی سبز به این مقوله پرداخته است. از دیدگاه جرم‌شناسان سبز، بسیاری از منابع و معیارهایی که در گذشته برای جرم‌انگاز آسیب‌های زیست محیطی به کار گرفته شده است توانایی حمایت از ارزش‌های اساسی محیط زیست را ندارد از این رو شاهد وقوع رو به افزایش آسیب‌های زیست محیطی می‌باشیم. آسیب‌های زیست محیطی جلوه‌های بارز خود را در جرائم زیست محیطی می‌بندد و دایره شمول جرائم زیست محیطی که هر گونه فعل زیان بار به محیط زیست را فرا می‌گیرد، ماهیت متفاوتی در مقایسه با جرائم دیگر دارد و به واسطه ماهیت پیچیده و چند بعدی خود شناخت آن نیز مشکل است. این پیچیدگی تا جایی است که جرم‌شناسان را به ایجاد یک شاخه مطالعاتی جدید با عنوان جرم‌شناسی سبز یا جرم‌شناسی زیست محیطی رهنمون ساخته است. گرایشی که عمری کمتر از سه دهه دارد. بر همین اساس پیش فرض این قسم از جرم‌شناسی آن است که می‌تواند مدل جامعی را در شناخت این گونه جرائم طراحی و شناسی نماید؛ چرا که گام اول مقابله و پیشگیری از این جرم همانا شناسایی دقیق آن است. بنابراین لازم است با شناخت جرائم زیست محیطی و سپس جرم‌شناسی سبز و تعیین چالش‌های مختلف بین‌المللی به رهیافت‌هایی در مقابله با این گونه جرائم دست یافت. جرم‌شناسان در تعریف اصطلاحی جرم‌شناسی سبز اتفاق نظر ندارند، اما از نظر مفهومی می‌توان گفت جرم‌شناسی سبز به معنای بررسی آسیب‌ها و جرائم زیست محیطی از نظر جرم‌شناختی است و همگان بر تأمل درباره جرائم و آسیب‌های زیست محیطی، آسیب‌دیدگان و واکنش به مرتکبان این جرائم، توافق دارند. در سطحی نظری تر، جرم‌شناسی سبز مایل به پژوهش در مورد شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که منجر به جرائم زیست محیطی می‌شود. در سطحی فلسفی جرم‌شناسی سبز مرتبط با انواع آسیب‌هایی است که باید به عنوان جرم مطرح شود و موضوع علم جرم‌شناسی قرار گیرند.^۱ به گمان «راب وایت»، جرم‌شناسی سبز یا زیست محیطی اساساً اشاره به مطالعه آسیب‌های زیست

1 - R. Potter, Garry; What is the green criminology; available in: <http://green.criminology.org/?page-id=584>.

محیطی، حقوق محیط زیست و قواعد زیست محیطی دارد. حتی کسانی که در مخالفت با جرم شناسی سبز اظهار نظر کرده اند. چون «مارک هالسی»^۱ را می‌توان به عنوان بخشی از جرم شناسانی تلقی نمود که در خصوص چگونگی به کارگیری رویکردهای جرم شناسی در مطالعات زیست محیطی به پژوهش پرداخته اند. در تعریف مشابه دیگری گفته شده: «جرم شناسی سبز که به عنوان جرم شناسی زیست محیطی نیز شناخته می‌شود نشان دهنده شاخه‌ای از جرم شناسی است که در مورد جرم انگاری آسیب‌های زیست محیطی و پدیده‌های مربوط به آن مطالعه می‌نماید.»^۲ جرم شناسی سبز نه تنها علمی حقوقی بلکه تجربی نیز هست که از دانسته‌های به دست آمده از پژوهش‌های تجربی نیز به منظور توضیح دلایلی که به موجب آن اعمال مجرمانه علیه محیط زیست به وجود آمده استفاده می‌کند. این حوزه متمایز از کارهای پژوهشی در گذشته است، چرا که تماماً مربوط به انحراف و کج رفتاری جدیدی است که بر پایه اشکال متفاوت علت شناسی جرم می‌باشد. جرم شناسی سبز اغلب ادغام کننده تفکر تحلیلی و توانایی عمل به این تفکر است و در صدد است که با استفاده رویکرد عدالت زیست محیطی و عدالت اکولوژیکی به تبیین آسیب‌های زیست محیطی، حقوق حیوانات و عموماً حفاظت از زیست کره بپردازد.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 - White, Rob, Crimes against Nature: Environmental criminology and ecological justice, 1 st Published, William Publishing, London, 2008.

2 - Emmons, katja and others, Crimes against environment: Green Criminology and research challenges in Slovenia, Journal of Criminal Justice and Security, No 4, 2011, p577.

3 - White, Rob, op, cit, p8.

۱- مقدمه

جرم شناسی سبز به مطالعه جرائم و آسیب‌های زیست محیطی اطلاق می‌شود که روی زندگی انسان‌ها و موجودات غیرانسان، اکوسیستم‌ها و بیوسفر تاثیر می‌گذارند. به طور ویژه، جرم شناسی سبز این موارد را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد: علل، پیامدها و شیوع آسیب و جرم زیست محیطی، پاسخ‌ها و پیشگیری از آسیب و جرم زیست محیطی توسط سیستم قضایی (مدنی، جزایی، نظارتی) و به وسیله جنبش‌های اجتماعی و قسمت‌های غیردولتی و همچنین شکایت‌های با واسطه و غیرمستقیم از آسیب و جرم زیست محیطی.

در این مقاله ما مروری بر تحقیقات انجام شده روی جرم شناسی سبز خواهیم داشت و این مطالب را مورد بازبینی قرار می‌دهیم. همچنین خلاصه‌ای از انواع آسیب و جرم زیست محیطی که می‌تواند در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی، فراملی و بین‌المللی یافت شود ارائه می‌گردد. ما قابلیت اجرای جهت‌گیری‌های مختلف زیست فلسفی که به وسیله سه روش عدالت محور (مرتبط) ارائه شده است را شرح می‌دهیم و با مثالی که نشان دهنده راه‌هایی است که در آن‌ها این روش‌ها می‌تواند تداخل داشته باشد نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۲- علل، پیامدها و شیوع جرم و آسیب زیست محیطی

مطالعه جرم شناسی سبز روی علل آسیب و جرم زیست محیطی عبارت است از تخطی از قانون زیست محیطی موجود (مدنی، جزایی، نظارتی) که برای حفظ سلامتی، ایمنی و بقای انسان‌ها، منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها تنظیم شده است. این به عنوان روش آیین‌نامه‌ای قانونی شناخته می‌شود و می‌تواند در بردارنده موضوع تخلفات از قانون هوای پاک، قانون آب پاک یا قانون گونه‌های در خطر انقراض باشد.^۱ بعضی از این جرم شناسان که اغلب تحت چتر حمایتی -یا ترجیحاً به نام- «جرم شناسی حفظ منابع طبیعی» فعالیت می‌کنند، در پی تلفیق جرم شناسی با قوانین منابع طبیعی و علوم ریسک و دانش‌های تصمیم‌گیری در پژوهش خود درباره جرم زیست محیطی همان گونه که به طور قانونی تعریف شده و به علاوه عکس‌العمل‌های اجرای قانون هستند.^۲ سایر جرم شناسان سبز با یک استدلال نکوهش‌گرانه‌تر یا رسم جرم شناسی افراطی و رادیکال، حوزه خود را با بررسی و آشکار کردن آسیب‌های زیست

1 - Brisman, A., 2008; 727-817 Burns, R. G., Lynch, M. J., & Stretesky, 2008; Halsey M., & White, R., 1998, 345-371

2- Gibbs, C., Gore, M. L., McGarrell, E. F., & Louie Rivers, I. I. I., 2010, 124-144

محیطی که ممنوعیت قانونی نداشته باشند گسترش داده اند. این روش که تحت عنوان روش قانونی-اجتماعی شناخته می‌شوند می‌تواند شامل انتقادهای تند از موسسات و توسعه کاپیتالیست باشد.^۱ یا می‌تواند قوانین متعارفی که به نابودی محیط زیست کمک می‌کنند را برجسته کند.^۲ تاثیرات نامطلوب زیست محیطی زندگی در یک خانه حومه شهر که برای سطح آسایش (و اغلب بیشتر از آن) گرم و خنک می‌شود؛ برای بیشتر رفت و آمدها به جای اتوبوس‌های عمومی و قطارها از یک خودرو بنزینی (کم بازده) استفاده می‌کنند؛ معمولا وقتی محصولات قدیمی کهنه (اما قابل استفاده) از مدافتاده یا غیررایج می‌شوند یا از چشم شان می‌افتند محصولات مصرف کننده جدیدی خریداری می‌کنند؛ و معمولا به جای رژیم گیاه خواری یا گیاهی گوشت مصرف می‌کنند^۳ که درباره تجارت قانونی حیوانات غیرانسان و محصولات چیزی نمی‌گویند.^۴

هر دو روش شامل بررسی دقیق درباره این است که چه کسی مرتکب جرم و آسیب می‌شود و چرا این فرد، گروه یا موجود مرتکب جرم یا آسیب می‌شود. با توجه به روش اول، جرم شناسان سبز در پی شناسایی و به عبارت دیگر افشای متخلف فردی یا سطح کوچک (به طور مثال گرومبریج ۲۰۱۳ را ببینید)، متخلف گروهی یا سطح میانه^۵ شامل گروه‌های جرم سازمان دهی شده^۶ و رایج تر از همه دارای شخصیت حقوقی یا دولتی یا دولتی-حقوقی/حقوقی-دولتی هستند.^۷ در واقع جرائم زیست محیطی که به وسیله دولت ملی و همچنین (یا همزمان با) ارگان‌ها و دیگر کنشگران قدرتمند تسهیل می‌شوند، به طور ویژه زبان بارتر هستند. تا آن جا که این موسسات این توانایی را دارند که تعاریف جرم زیست محیطی را به صورتی تعیین کنند که اعمال زبان بار از نظر زیست محیطی را مجاز کرده یا نادیده گیرند یا تداوم ببخشند.^۸

با توجه به روش دوم، جرم شناسان سبز کوشیده اند تا انگیزه‌ها و علل جرم و آسیب زیست محیطی بنیادی را درک کنند. این موضوع مستلزم تحقیق در مورد این بوده است که چرا یک فرد، گروه یا موجود

1- Lynch, M.J., & Stretsky, P. B, 2003: 217-238

2- Agnew, R., 2013: 58-72

3- Agnew, R., 2013: 58-72

4- Sollund, R., 2013a: 72-92

5 - Brisman, A., & South, N., 2013

6 - South, N., 2016: 45-59, Ruggiero, V., & South, N., 2010: 251-262

7- Katz, R., 2010: 295-306, Kramer, R. C., 2013: 153-170

8- White, R., 2011

خاص مرتکب یک جرم یا آسیب خاص شده و یا می‌شود. آیا این به دلیل بی‌اعتنایی قانون یا چشم‌پوشی از اجرای آن بوده است؟^۱ منفعت یا طمع؟^۲ یا به دلایل مذهبی مثل این عقیده که سیارات و غیرجانداران توسط خدا برای مصرف انسان خلق شده‌اند؟^۳

مطالعه جرم‌شناسان سبز درباره علل آسیب و جرم زیست محیطی تا حد زیادی با پیامدها و شیوع جرم و آسیب زیست محیطی آمیخته است که در آن سوال اساسی این است که: چه کسی یا چه چیزی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، تخریب می‌شود و یا به طریقی منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تا چه حد؟ این‌ها سوالات ضروری درباره قربانی هستند.^۴ در این جا، جرم‌شناسان سبز توجه را به سمت تأثیرات روی اکوسیستم‌ها و به طور کلی سیاره و همچنین به طور ویژه وضعیت حقوقی و مشکلات جانداران غیرانسان معطوف کرده‌اند^۵ و همچنین تأثیرات نامتناسب روی مردم محروم یا تحت حمایت خاص مثل زنان، کودکان، اقلیت‌های مذهبی و افرادی با وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین تر.^۶

۳- پیشگیری و واکنش‌ها در برابر آسیب و جرم زیست محیطی

در بخش قبل، ما به توجه جرم‌شناسی سبز به ماهیت آسیب‌های زیست محیطی؛ به طور کلی آنچه که توسط قانون ممنوع شده است و آنچه که قانونی اما وحشتناک است^۷ و همچنین علل چنین آسیب‌هایی و حدود آن اشاره کردیم. علاوه بر این جرم‌شناسان سبز به مطالعه درباره مقررات و قانون زیست محیطی موجود و پیشنهادی و همچنین کاستی‌ها، کمبودها و ناکارآمدی‌های راجع به آن جلب نظر شده‌اند که می‌تواند ناشی از اجتناب از پاسخ‌گویی جمعی، دولتی و فردی در خصوص جرائم، آسیب‌ها و تهدیدهای زیست محیطی^۸ یا ناشی از یک ضعف اجرایی به دلیل فقدان منابع فنی و مالی یک کشور، دانش ویژه محدود در قانون زیست محیطی بین‌المللی، ناتوانی در همگام شدن با گسترش سریع معاهدات،

1- Wyatt, T., & Brisman, A., 2017: 325-341

2 - Spapens, T., White, R., van Uhm, D., & Huisman, W. (Eds.), 2018, Stresteky, P. B., Long, M. A., & Lynch, M. J., 2014

3- Brisman, A., 2014, 1344-1355

4 - Hall, M., 2013, Hall, M., & Farrall, S., 2013: 120-133, Jarrell, M. L., & Ozmy, J., 2012: 373-389, Sollund, R., 2013a: 72-92, South, N.

5 - Ellefsen, R., Sollund, R., & Larsen, G. (Eds.), 2012, Flynn, M., & Hall, M., 2017: 299

318, Maher, J., Beirne, P., & Pierpoint H. (Eds.), 2017, Maher, J., & Sollund, R., 2016: 82-99, Moreto, W. D. (Ed.), 2018

6 - Rodríguez Goyes, D., & South, N., 2016: 558-577, Sollund, R., 2013b: 317-330, Wachholz, S., 2007: 161-185, Williams, C., 1996: 1-6

7 - Passas, N., 2005: 771-786, Brisman, A., & South, N., 2015: 127-150, Wyatt, T., & Brisman, A., 2017: 325-341

8- 341-368: de Prez, P., 2000: 65-77, Fitzgerald, A., & Baralt, L. B., 2010, Katz, R., 2010: 295-

306, South, N., 2016: 45-59

وزارتخانه‌ها و موسسات دارای شرح وظایف بیش از حد و کمبود منابع و فاکتورهای فرهنگی و مذهبی باشد.^۱

مطالعه جرم‌شناسان سبز درباره واکنش‌ها به آسیب و جرم زیست محیطی دربردارنده تحقیق درباره نقش و تاثیر بالقوه اقامه دعوا؛^۲ دادگاه‌های مخصوص اختصاص داده شده برای حل مشکلات زیست محیطی^۳ و مقاومت فردی، مردمی و نهادینه شده و مخالفت با آسیب‌ها و جرائم زیست محیطی بوده است.^۴ یک بخش فزاینده و رو به رشد نیز این موضوع را به بحث گذاشته اند که تغییرات آب و هوایی و دیگر آسیب‌های برگشت ناپذیر بالقوه برای سیاره نیازمند واکنش‌های افراطی از سوی سیستم‌های قانونی هستند از جمله می‌توان از پیشنهادهایی در خصوص معرفی یک جرم نامبرده شده درباره اکوساید^۵ به دادگاه بین‌المللی حمایت کرد^۶ واکنش به جرم و آسیب زیست محیطی مستلزم یادگیری از (یا کوشش برای درک) اشتباهات و غفلت‌های گذشته و همچنین تهدیدها و خطرات پیش‌بینی شونده برای آینده می‌باشد. این نیازمند جلوگیری یا تلاش برای ممانعت کردن از آسیب و جرم زیست محیطی قبل از وقوع آن است. چنین استراتژی‌هایی ضمناً مستلزم جلوگیری توسعه ای (یعنی آن دسته از مداخلاتی که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جرم در افراد مطرح شده است)، جلوگیری اجتماعی (یعنی معیارهایی برای تغییر شرایط اجتماعی در جوامع خاص (تحت خطر) که روی تخلف تاثیر می‌گذارد در نظر گرفته شده اند و جلوگیری موقعیتی (یعنی استراتژی‌هایی که برای کاهش رخداد جرائم مطرح می‌شوند، به ویژه با کاهش فرصت‌ها و افزایش خطرات است.^۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Walters,R,2010:197

2- Yeager,M.G.,&Smith,J.L.2017:117-140,Salama,O.,&White,R.2017:523-537

3- Walters,R.,&Westerhuis,D.S.2013:279-290,White,R.,& Graham,H.2015:845-865

4- Brisman,A.,&South,N.2013:115-135,Cianchi,J.2015,Ellefsen,R.2018:751-768, Rodríguez Goyes, D.,&South,N.2017:165-181,McClanahan,B.2014:403-418,Weinstock,A. M.2017:141-162

۵- اکوساید یک عملکرد جنایتکاری بشری است که اصول عدالت محیط زیست را نقض می‌کند، مانند خسارت گسترده یا از بین بردن اکوسیستم‌ها و یا آسیب رساندن به سلامت و رفاه یک گونه (از جمله انسان‌ها). این عنوان هنوز توسط سازمان ملل به عنوان یک جنایت بین‌المللی پذیرفته نشده است.

6- Crook, M., Short, D.,& South, N.2018:298-317,Higgins,P.,Short,D.,&South,N.2013:251-266

7- Lemieux,A.M.(Ed.),2014,Lemieux,A.M.,&Clarke,R.V,2009:451-471

۴- بیانات معنی دار و واسطه ای از بحران محیط زیست و مضرات

این که ما چگونه نسبت به جرائم یا آسیب‌های زیست محیطی واکنش نشان می‌دهیم رابطه نزدیکی با روش‌هایی دارد که در آن‌ها ما درباره فجایع زیست محیطی مختلف یا نمونه‌هایی از فرسایش و غارت همیشگی و پیوسته زیست محیطی می‌آموزیم. اگرچه بعضی از قسمت‌های دانش یا درک ما بر اساس تجربه‌های مستقیم ما از فرسایش و یا فاجعه زیست محیطی می‌باشد اما شناخت دیگر از تفسیرها، بازنمایی‌های با واسطه و تصویرها از جرائم زیست محیطی، آسیب‌ها و ریسک‌های مطرح شده در روزنامه‌ها، فیلم‌ها، تلویزیون، در اینترنت و در دیگر خروجی‌های رسانه‌ای به دست می‌آید.^۱ در این جا نگرانی بیشتر از این که درباره علل یا حدود آسیب‌ها باشد درباره این است که این چه معنایی دارد و احساس ما چگونه است؟ آیا ما اهمیتی می‌دهیم که چه اتفاقی افتاده است یا در حال رخ دادن است یا ممکن است رخ دهد؟

۵- موضوعات مطالعه

در بخش‌های بالا به انواع پژوهش‌هایی اشاره شده است که جرم‌شناسان سبز با توجه به آنچه که به طور کلی آسیب زیست محیطی تعریف شده است به عهده می‌گیرند. پرسش‌ها و مسائلی درباره سبب‌شناسی، تاثیر، واکنش و اهمیت می‌توانند برجسته شوند و برای انواع از آسیب‌های زیست محیطی زیر مورد بررسی قرار گیرند: آلودگی هوا و موضوعات آب (دسترسی، آلودگی و کمبود)؛ سوءاستفاده از حیوانات، حقوق حیوانات، آسایش حیوانات، مثل تجارت قانونی و غیرقانونی در حیوانات غیرانسان؛ جرم و آسیب ناشی از گرم شدن جهانی و تغییرات آب و هوایی؛ جرائم کشاورزی و غذایی؛ آسیب ناشی از جابجایی مخاطره آمیز پسماندها و رهاسازی زباله‌های سمی؛ و تخلفات از مقررات ایمنی و سلامت محیط کار که پیامدهای زیان بار زیست محیطی دارند.

این موارد و دیگر ابعاد آسیب‌ها و جرائم سبز اکنون موضوع بسیار از مقالات، کتاب‌ها و فصول کتاب‌ها هستند.^۲ جرم‌شناسان سبز تلاش می‌کنند ابعاد محلی، منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی و فراملی پدیده‌های

1- Brisman, A., & South, N. 2013:115-135, Brisman, A., & South, N. 2014, Di Ronco, A., Allen-Robertson, J., & South, N.2018

۲- برای مرور و مراجع بیشتر به این موارد مراجعه نمایید:

Beirne, P., & South, N. (Eds.) (2007, Bergin, T., & Orlando, E.2017, Ellefsen, R., Sollund, R., & Larsen, G. (Eds.) , 2012, Hall, M. .2013, Hall, M.2015, Hall, M., Maher, J., Nurse, A., Potter, G., South, N., & Wyatt, T. (Eds.) , 2017, Lynch, M. J., & Stretesky, P. B. 2014, Nurse, A. 2013, Nurse, A. 2015, Nurse, A.2016, Spapens, T., White, R., & Huisman, W. (Eds.,2018, Spapens, T., White, R., & Kluijn, M.

فهرست شده در بالا را تشریح کنند. در حالی که تصدیق می‌کنند که همه فعالیت‌ها یا قصورهای فرساینده زیست محیطی در همه محاکم و دادگاه‌ها غیرقانونی نیستند.

۶- جهت گیری‌های زیست فلسفی

موضوعات مختلف مطالعه که در بخش قبل لیست شده است اغلب از یکی از جنبه‌های زیر درباره رابطه بین انسان‌ها، محیط زیست طبیعی، حیوانات غیرانسان پیشنهاد می‌شوند: انسان محوری، زیست محوری و محیط محوری. این فلسفه‌ها روی این که جرم شناسان سبز چه برداشتی از آسیب داشته باشند یا جرم را چگونه تعریف کنند و همچنین ارزیابی آن‌ها از قربانی کردن انسان‌ها، جانداران غیرانسان و محیط‌های زیست خاص و اکوسیستم‌ها تاثیر می‌گذارد. اجازه دهید این موارد را به ترتیب بررسی کنیم.

۶-۱- انسان محوری^۱

جنبه آنتروپوسنتریسم یک جنبه انسان محور است که بر برتری بیولوژیکی، ذهنی و معنوی انسان‌ها بر سایر موجودات زنده و غیرزنده تاکید می‌کند.^۲ همان گونه که هالسی و وایت توضیح می‌دهند برای طرفداران انسان محوری طبیعت غیرانسانی به شکل ابزاری دیده می‌شود یعنی به عنوان چیزی که به نحوی تخصیص، فرآوری، مصرف و تنظیم می‌شود که بهترین تناسب را با نیازهای انسان در زمان حال داشته باشد. از نگاه انسان محورها انسان‌ها به جای بخشی از اکوسیستم جهان بخش جداافتاده‌ای دیده می‌شود و تمامیت این اکوسیستم‌های غیرانسانی یا موجودات (مثل هوا، گیاهان، خاک و آب) تنها تا جایی اهمیت دارند که در راستای منافع نوع انسان باشند. تحت تفکر انسان محوری اهمیت کمی به این ایده داده می‌شود که آسایش انسان کاملاً به بقای موجودات غیرانسان وابسته است. بنابراین، آن‌جا که محدودیت‌ها بر فعالیت‌های انسان لازم دانسته می‌شود، خلاقیت، ابتکار و ابداع تکنولوژیکی انسان به عنوان مناسب‌ترین روش برای تضمین بهره‌برداری از طبیعت شناخته می‌شود (مثل تحقیقات بیوژنتیک درباره تولید غذا؛ مهندسی جغرافیایی در واکنش به گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی). در مجموع انسان محوری نگاهی به جهان است که منعکس کننده خودخواهی انسان است.

(Eds).2017, South, N., & Beirne, P. (Eds),2006, South, N., & Brisman, A. 2013, Walters, R., & Westerhuis, D. S. (2013:279-290, White, R. 2008, White, R. (Ed.) ,2009, White, R. (Ed.) 2010, White, R. 2011, White, R. (Ed.) 2012, White, R., & Heckenberg, D.2014, Wyatt, T. (2013

1-Anthropocentrism

2- White, R., & Heckenberg, D. 2014:65,Halsey, M., & White, R,1998:349

۶-۲- زیست محوری^۱

جنبه زیست محوری انسان‌ها را یک گونه ساده مانند دیگر گونه‌ها می‌بیند که ارزش معنوی یکسانی به آن نسبت به موجوداتی مثل پرندگان، نهنگ‌ها و گرگ‌ها داده می‌شود.^۲ همان گونه که هالسی و وایت توضیح می‌دهند طرفداران زیست محوری گونه‌های غیرانسانی را دارای ارزش ذاتی می‌دانند که این یعنی آن‌ها دارای ارزش معنوی هستند و فارغ از این که انسان‌های ناچیز چگونه ممکن است درباره وجود خود یا ارزش مصرفی خود را تصور کنند، ارزش معنوی خود را خواهند داشت. از آن جا که مبنای ایدئولوژیک زیست محورها حفظ و موجودیت همه گونه هاست (ایضا در همان جا)، نابرابری‌های بنیادی بین گروه‌های انسانی مختلف نشان دهنده یک مشکل معنوی نمی‌شود. در واقع انواع خاصی از آسیب (مثل بیماری، مرگ زودرس) به انسان‌ها می‌تواند برای تعداد بیشتری از اشکال حیات و به ویژه انواع بشر مفید باشد تا آن جا که منجر به کاهش قابل توجه در تعداد جمعیت می‌شوند.^۳ با در نظر گرفتن این فکر مفرط زیست محوری می‌تواند به عنوان دیدگاه انسان ستیز مورد بحث قرار گیرد.

۶-۳- محیط محوری^۴

جنبه محیط محوری از قراردادن انسان بالاتر یا پایین تر از بقیه طبیعت امتناع می‌کند.^۵ در محیط محوری مبتنی بر این دیدگاه است که انسان‌ها و فعالیت‌های شان به شکل ناگسستنی با بقیه جهان طبیعی در ارتباط هستند. این دیدگاه می‌گوید ظرفیت منحصر به فرد بشر برای توسعه و گسترش روش‌های تولیدی که پیامدهای جهانی دارند به این معنی است که انسان‌ها مسئولیت صریحی دارند که تضمین دهند این روش‌های تولید از حدود اکوسفریک^۶ سیاره تخطی نمی‌کند، مسئولیتی که دامنه آن هم شامل حیات انسان و حیات غیرانسان می‌شود.

این سه جهت گیری زیست فلسفی نه تنها روی برنامه تحقیقاتی جرم شناسان سبز و روش‌هایی که آن‌ها انتخاب کرده و به سراغ موضوعات مطالعه خود می‌روند تاثیر می‌گذارد بلکه روی ذات و گستره سیاست‌ها و کنش‌های (تنظیمی) پیشنهادی هم تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، این سه جهت گیری

3-Biocentrism

2- White, R., & Heckenberg, D. 2014:65

3- Halsey, M., & White, R. 1998:353

3- ecocentrism

5- White, R., & Heckenberg, D. 2014:65

۶- بخش‌هایی از جهان که توسط موجودات زنده قابل سکونت هستند.

زیست فلسفی با سه روش عدالت محور مرتبط هستند یا اغلب به سمت آن‌ها هدایت می‌کنند که در بخش بعدی مورد بحث قرار می‌گیرند.

۷- روش‌های عدالت محور

وایت^۱ سه روش عدالت محور شناسایی می‌کند: عدالت زیست محیطی؛ عدالت گونه ای و عدالت اکولوژیک که هر کدام تاکید، خواسته و هدف متفاوتی دارند.

۷-۱- عدالت زیست محیطی

عدالت زیست محیطی در دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا به عنوان یک مفهوم مطرح شد^۲ و عبارتی است که به یک جنبش اجتماعی مربوط به توزیع عادلانه منافع و مسئولیت‌های زیست محیطی و همچنین به یک دسته میان رشته ای از آثار علوم اجتماعی اطلاق می‌شود. همان طور که جرم شناسان سبز معتقدند، عدالت زیست محیطی عبارت است از توزیع محیط زیست به منظور دستیابی و استفاده از منابع طبیعی خاص در محدوده‌های جغرافیای تعریف شده در میان مردم و تاثیرات تصمیمات سیاسی خاص، کنش‌های اجتماعی و مخاطرات زیست محیطی بر گروه‌های مختلف (اقلیت‌های نژادی/ قومی). به عبارت دیگر، عدالت زیست محیطی عبارت است از در دسترس بودن منابعی که انسان‌ها می‌خواهند و نیاز دارند (چیزهای خوب مثل هوای پاک یا آب پاک) و تاثیرات (نابرابر و نامتناسب) بار مسئولیت‌های زیست محیطی ناخوشایند (چیزهای بد مثل آلودگی‌ها و آلودگی آب). موضوع انسان‌ها هستند که در مرکز آنالیز قرار دارند و در این جا ما پیوندی با زیست فلسفی و انسان محوری مشاهده می‌کنیم.

مطالعه و پیگیری عدالت زیست محیطی اغلب در پی ایجاد تمایز بین موضوعات زیست محیطی که روی هر فرد در یک منطقه فرضی یا در پیرامون جهان تاثیر می‌گذارد و موضوعاتی که به طور نامتناسب روی افراد و گروه‌های مشخص در مکان‌های خاص تاثیر می‌گذارد، می‌باشد. وایت اشاره می‌کند که در بعضی نمونه‌ها ممکن است برابری قربانیان وجود داشته باشد که در آن بعضی مشکلات زیست محیطی همه را تهدید می‌کند. به طور مثال باران اسیدی، تغییر آب و هوای ایجاد شده توسط انسان و کاهش ازن. اما شایسته است تاکید شود که حتی در موارد آشکار از برابری قربانیان، بعضی نسبت به دیگران موقعیت بهتری برای سازگاری دارند. این به ویژه در زمینه تغییر آب و هوا ایجاد شده توسط انسان صدق

1 - White, R. 2013:13

2 - Bullard, R. D. 1990, 1994, Lynch, M. J., Stretesky, P. B., & Long, M. A. 2015, Pellow, D. N. 2004:511-525

می‌کند که در آن کسانی که بیشترین مشارکت را دارند ظاهراً تمایلی به تغییر انواع خاص تولید ندارند و مصرف به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کند و هنوز درگیر آماده‌سازی برای محصور کردن بهترین نوع از مقادیر زیاد جابجا شده و منتقل شده هستند.^۱

به ویژه وقتی به نابرابری زیست محیطی فکر می‌کنیم آنچه که معمولاً به ذهن خطور می‌کند جوامع رنگین پوست، کشورهای همسایه کم درآمد و کوچ‌گاه‌های افراد بومی هستند که به طور نامتناسبی با محدوده‌ای از مخاطرات زیست محیطی مثل صنایع آلاینده، دفن زباله‌ها، دستگاه‌های زباله سوز، توده‌های زباله غیرقانونی روبرو هستند. تأثیرات نامطلوب تغییر آب و هوای ایجاد شده توسط انسان به نظر می‌رسد پدیده‌ای باشد که توسط همه به وجود آمده است و همچنان در حال ایجاد است. اگرچه از یک سو، این قطعاً درست است، از سوی دیگر یک تقسیم آب و هوایی رو به گسترش عمدتاً در راستای خطوط شمال جهان - جنوب جهان در حال به وجود آمدن است که تغییر آب و هوای ایجاد شده توسط انسان را یک موضوع کلان از عدالت زیست محیطی تعبیر می‌کند. کسی نباید فکر کند که تغییر آب و هوای ایجاد شده توسط انسان تنها نابرابری‌ها و ناعدالتی‌ها در یک مقیاس جهانی خواهد بود (حتی در شمال جهان)، ما می‌توانیم به تمایزها و تفاوت‌ها با توجه به آمادگی و واکنش توجه کنیم. به طور مثال شهر هوستون در تگزاس درباره زمین‌هایی شکایت کرده است که این ایالت در سطح فرونشاندن سیل می‌شناسد که به موجب آن شاکای ادعا می‌کند که سیستم‌های زه‌کشی کاملاً متفاوت و مشخصاً پایین‌تر در همسایه‌های اقلیت برجسته، ساکنان آن همسایگان را در معرض افزایش خطر طوفان‌ها قرار می‌دهد.^۲

۷-۲- عدالت گونه‌ای

آن گونه که جرم‌شناسان سبز معتقدند عدالت گونه‌ای به این ایده اشاره می‌کند که جانداران غیرانسان مبتنی بر ارزش‌های سودمندی خود (حداکثر کردن لذت، حداقل کردن درد) حقوقی دارند ارزش اساسی (حق رفتار محترمانه) و سیستم اخلاقی مسئولیت‌پذیری توسط انسان‌ها در اینجا نگرانی درباره گونه‌گرایی^۳ است.^۴ عمل قائل شدن تبعیض بر علیه جانداران غیرانسان به این دلیل که آن‌ها پست‌تر از نوع انسان‌ها هستند تا حد زیادی مشابه تبعیض جنسی و تبعیض نژادی که به معنی تعصب و تبعیض بر علیه زنان و

1- Brisman, A., South, N., & Walters, R. 2018

2- Editorial.8.2018

2- speciesism

4- Lie, M. S. B., & Sollund, R. 2017:386-390, White, R.,2013

مردم رنگین پوست است، می‌باشد.^۱ برخلاف انسان محوری از عدالت زیست محیطی (که در بالا مورد بحث قرار گرفت) یا محیط محوری از عدالت اکولوژیک (که در ادامه توضیح داده شده است). عدالت گونه ای یک گفتمان حیوان محور است که با یک جهت گیری بیوسنتریسم^۲ هدایت می‌شود. به جای معرفی حیوانات غیرانسان به عبارتهای ابزارگونه (مثل غذا، حیوان خانگی یا ذخایر) یا اشاره کلی به آن‌ها با عبارتهای زیرمجموعه مثل شیلات یا حیات وحش، کسانی که به دنبال عدالت گونه ای هستند از دیگرسازی حیوانات غیرانسان اجتناب می‌کنند به دنبال پایان اعمال مشترک که منجر به آسیب عادت گونه و روزانه می‌شود هستند.^۳ بنابراین عدالت گونه ای یعنی پرداختن به غیرانسان هایی که به عنوان قربانی آسیب می‌بینند، با حیوان کشی تحت عنوان عبارتی برای پوشش اقدامات ناهمگون انسان که باعث مرگ برای حیوانات می‌شود. روشی برای نامگذاری و اعلام کشتار همه حیوانات غیرانسان به وسیله انسان ها.^۴

۷-۳- عدالت اکولوژیک

برای جرم شناسان سبز عدالت اکولوژیک به ارتباط انسان‌ها با بقیه جهان طبیعی رجوع دارد^۵ نگرانی در این جا در خصوص سلامت بیوسفر و گیاهان و حیواناتی که در آن سکونت دارند است. به جای معرفی سیاره یا حیوانات غیرانسانی با عبارتهای ابزارگونه، عدالت اکولوژیکی محیط زیست زمینی را دارای ارزش ذاتی می‌داند و دیگر گونه‌ها دارای حقوق گذران زندگی به دور از آزار و اذیت، سوءاستفاده و تخریب زیستگاه خود هستند. در حالی که انسان محوری و محیط محوری و عدالت زیست محیطی و

1- White, R., 2013, 16

۲- در نظر گرفتن تمام اشکال زندگی به عنوان یک ارزش ذاتی، زیست سنجی معتقد است که همه موجودات زنده از نظر اخلاقی قابل توجه هستند، در حالی که بسیاری از افراد معتقدند که فقط انسان‌ها چنین هستند (در انسان محوری). برخی از مذاهب شرقی، مانند جینیسم، زیست سنجی هستند. اما اولین متفکر برجسته غربی که از زیست سنجی دفاع می‌کند، آلبرت شوویتزر بود، که در کتاب تمدن و اخلاق (۱۹۲۳) این عبارت را تکریم برای زندگی تألیف کرد. از نظر شویتزر، هر آن چه که زندگی می‌کند دارای اراده ای برای زندگی است (یا یک حرکت درونی به سمت حفظ خود و زندگی خود) و این تکریم که شخص نسبت به اراده به زندگی خود احساس کند، باید از نظر اخلاقی مورد احترام واقع شود. به همه. با این حال، هیچ نسخه فلسفی پیچیده ای از زیست سنجی تا سال ۱۹۸۱ ظاهر نشد، هنگامی که پل وارن تیلور مقاله خود «اخلاق احترام به طبیعت» را در مجله اخلاق محیط زیست منتشر کرد.

see: Attfiled Rabin, 2013 The International Encyclopedia of Ethics, Available at:
https://www.researchgate.net/publication/315824728_Biocentrism

3- Lie, M. S. B., & Sollund, R. 2017: 386-390

4- Lie, M. S. B., & Sollund, R. 2017: 389, Beirne, P, 2014: 50-69

5- White, 2013

عدالت گونه ای می‌تواند با عبارتهای مقایسه ای درک شوند. انسان محوری انسان‌ها را به عنوان برترین گونه در نشر می‌گیرد و زیست محوری هیچ تفاوتی بین انسان‌ها و دیگر گونه‌ها نمی‌بیند. محیط محوری و عدالت اکولوژیک انسان‌ها را تنها یک بخش از اکوسیستم‌های پیچیده ای می‌داند که باید به خاطر خود آن‌ها محافظت شوند.^۱ به عبارت دیگر عدالت اکولوژیک به همبستگی حیات تاکید می‌کند: همه موجودات زنده به هم وابسته هستند و بنابراین همه مشکلات زیست محیطی در طبیعت ذاتا فرامرزی در واقع جهانی هستند.

از بسیاری از جنبه‌ها عدالت اکولوژیک و همراه با آن محیط محوری نشان دهنده منطقه میانی بین عدالت زیست محیطی و انسان محوری و عدالت گونه ای و زیست محوری است. نظریه عدالت اکولوژیک بیشتر با تمرکز روی انسان‌ها سازگار است زیرا آن‌ها می‌توانند همزمان هم به عنوان تخریب کننده و هم محافظت کننده از تمام آن چیزی شناخته شوند که ما ارزش می‌دهیم و مغتنم می‌شماریم. این انسان‌ها هستند که قادر به حرکت به سمت رنج خود و همچنین حیوانات و فرسایش اکوسیستم‌ها حرکت کنند.^۲

۸- تداخل مسائل اکوفلسفی و عدالت محور

اکوفلسفه‌های مختلف و روش‌های عدالت محور مربوطه می‌توانند باعث اختلاف‌هایی بین محققان، حامیان مالی، فعالین و دیگران شوند. احتمالا تغییر آب و هوا مسئله ای است که به هر سه روش اکوفلسفه و عدالت محور مرتبط است. آنچه که ما می‌خواهیم در اینجا پیشنهاد کنیم یک مثال از چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد مثل یک موضوع از عدالت گونه ای است اما باز هم احتمالا در حقیقت یکی از موضوعات عدالت زیست محیطی است و شاید هر دو.

فرض کنید که هفتادوپنج درصد از بیش از پانصد گونه میمون سان جهان در حال کاهش جمعیت تا شصت درصد با انقراض روبرو هستند، وضعیتی که بیشتر ناشی از فعالیت‌های بی‌ثبات کننده انسان است.^۳ دلایل اصلی: از بین رفتن زیستگاه به دلیل کشاورزی و بریدن درختان و برداشت چوب قانونی و غیرقانونی که منجر به کاهش تاج پوشه، تخریب پوشش گیاهی زیر درختان و کاهش گونه‌های درخت بزرگ که برای منابع غذایی و پناهگاه پستانداران اهمیت دارند و پرورش دام و احشام در مراتع و

1 - White, R,2013,15

2- White, R.2013:40,41.

3- Estrada, A., Garber, P. A., Rylands, A. B., Roos, C., Fernandez-Duque, E., Di Fiore, A., Anne-Isola Nekaris, K. A-I, ... Li,JB,2017

همچنین نابودی مستقیم ناشی از شکار و به دام افتادن حیوانات شکاری برای مصرف گوشت هستند. دیگر تهدیدات مثل نابودی زیستگاه به دلیل ساخت ریل و جاده که می‌تواند منجر به مهاجرت مردم و افزایش شکار حیوانات شکاری و تجارت حیات وحش غیرقانونی؛ استخراج نفت/گاز؛ ساخت سدهای برق آبی مرسوم و عظیم و کریدورهای انتقال برق در نواحی جنگل حاره ای که شبکه‌های جاده ای حمل و نقل انسان را هم افزایش می‌دهد؛ و اکتشاف برای مواد معدنی و الماس‌ها که می‌تواند به قطع درختان جنگلی، فرسایش جنگل و آلوده کردن و مسمومیت بخارها و خاک کمک کند. آشوب مدنی هم به دلیل استفاده از مواد شیمیایی نابودکننده گیاهان و بمباران وسیع؛ مین‌های به جا مانده از جنگ‌ها، به شکل نامطلوبی روی گروه‌های میمون سان تاثیر می‌گذارد و همچنان به عنوان خطری برای گوریل‌ها در آفریقا و جنوب آسیا وجود دارد. بسیاری از گونه‌های میمون سان با افزایش تهدیدهای ناشی از تجارت قانونی و غیرقانونی و غیرقابل تحمل روبرو هستند؛ میمون سان‌ها برای تحقیقات زیست پزشکی، مصرف، باغ وحش‌ها و کلکسیون‌های حیات وحش و برای اعضای بدن آن‌ها مثل مو، پوست‌ها، جمجمه‌ها که به عنوان طلسم‌ها، تزئینات و در طب سنتی استفاده می‌شوند، تجارت می‌شوند در نهایت تغییر آب و هوا که باعث خشکسالی‌ها، آتش سوزی‌ها، سیل‌ها، طوفان‌ها و رخدادهای نوسان النینو جنوبی^۱ شده و خواهد شد می‌تواند بعضی زیستگاه‌ها را نامناسب کند و می‌تواند روی منبع تغذیه موجود برای گروه‌های میمون سان خاص تاثیر بگذارد که باعث تاثیرات منفی روی باروری، سلامتی و مرگ و میر می‌شود.

در ظاهر، این مثل یک موضوع از عدالت گونه ای است (یک نگرانی برای کسانی که جهت گیری زیست محوری دارند). اما همان طور که استرادا و همکاران اش در بررسی خود از تهدیدات ناشی از انسان در مورد بقاء حیات اولیه، طعمه، شکارچی و گونه‌های متقابل در شبکه‌های مواد غذایی هستند و از این طریق بر ساختار اکوسیستم، عملکرد و مقاومت آن تأثیر می‌گذارند. تکامل، اکولوژی تغذیه و توزیع جغرافیایی آن‌ها به طور نزدیکی با گوناگونی نهادانه‌ها مرتبط است که یک منبع اساسی غذایی (گرده‌ها، شهدها، میوه‌ها و دانه

۱- حضور رویدادهای ENSO در آمریکای جنوبی از دو طریق احساس می‌شود: الف) از طریق تأثیر آن بر هر دو جو و سیستم‌های اقیانوس و ب) از طریق اثرات آن بر روی طبیعی اکوسیستم (دریایی و زمینی) و اجتماعی و بخش‌های اقتصادی (مانند شیلات، بهداشت و کشاورزی). تأثیرات اصلی El Niño/La Niña عبارتند از: افزایش/کاهش دمای سطح دریا و شوری، افزایش/کاهش سطح دریا و فعالیت موج، افزایش/کاهش درجه حرارت هوا و مقدار ماوراء بنفش تابش به سطح زمین می‌رسد تغییر می‌کند و همچنین الگوهای بارندگی و تبخیر نیز تغییر می‌کند.

ها) برای بسیاری از حیوانات و انسان‌ها هستند. در پرتو اهمیت اکولوژیک میمون‌سان‌ها به نظر می‌رسد که توجه به خطر نمایان شده انقراض میمون‌سان‌ها می‌تواند و باید یک موضوع از عدالت اکولوژیک باشد (یک نگرانی برای کسانی که رویکرد اکوفلسفه محیط محوری را انتخاب می‌کنند).

پس درباره عدالت زیست محیطی و آن‌هایی که جنبه‌های انسان محوری را روی طبیعت و محیط زیست در پیش می‌گیرند چطور؟ میمون‌سان‌های غیرانسان نزدیک‌ترین خویشاوندان بیولوژیکی زنده ما هستند. رابطه تکامل نژادی نزدیک بین انسان‌ها و دیگر میمون‌سان‌ها به این معناست که پتانسیل بالایی برای توسعه بیماری‌های زایی از انسان‌های شکارچی، کشاورزان، چوب برها و گردشگران محیط زیست برای میمون‌سان‌های غیرانسان وجود دارد. چنین میکروب‌های خارجی می‌تواند تبدیل به ویروس‌هایی شود که می‌توانند باعث نابودی جوامع میمون‌سان‌ها بدون هرگونه مواجهه با انسان‌ها شوند. اما چنین بیماری‌هایی می‌توانند به بیماری‌های مزمنی جهش کنند که به انسان‌ها بازگردند و شکل بعدی ابولا یا ویروس نیل غربی می‌تواند به شکل بیماری همه گیر^۱ ظاهر شود. بنابراین به دلیل تشابه ژنتیکی آن‌ها میمون‌سان‌ها ارزش بالایی برای مطالعه‌هایی دارند که درک از منشا و تکامل پاتوژن‌ها^۲ و انتقال بیماری را افزایش می‌دهد. استفاده از میمون‌سان‌ها در تحقیق پزشکی سوالات اخلاقی را افزایش می‌دهد و مسلماً از طرف زیست‌محورهایی که به دنبال عدالت‌گونه‌ای هستند محکوم خواهد شد، اما نکته این است که فلاکت میمون‌سان‌های جهان پیچیده است و تا حد زیادی با سلامت اکوسیستم و آینده انسان در هم آمیخته شده است؛ بنابراین تهدید انقراض میمون‌سان‌ها موضوعی است که دشواری کشیدن یک خط کاملاً واضح بین نگرانی‌های عدالت زیست محیطی، عدالت‌گونه‌ای و عدالت اکولوژیک را آشکار می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Pandemic

۲- پاتوژن به عنوان ارگانیزم ایجادکننده بیماری تعریف می‌شود. میزان آن، با شدت علائم بیماری که از آن به عنوان واگیری یاد می‌شود. پاتوژن‌ها متنوع هستند و ویروس‌ها و باکتری‌ها و همچنین یوکاریوت‌های تک سلولی و چندسلولی را تشکیل می‌دهند. هر ارگانیزم زنده تحت تأثیر پاتوژن‌ها از جمله باکتری‌ها قرار دارد که توسط ویروس‌های تخصصی موسوم به فاژ (سلول بیگانه خوار) هدف قرار می‌گیرند. تعداد ویروس‌ها و باکتری‌های موجود در زمین بسیار گسترده است و آن‌ها اساساً هر محیط را اشغال می‌کنند. یک لیتر آب دریایی سطحی معمولاً حاوی بیش از ده میلیارد باکتری و صد میلیارد ویروس است.

see: Sender R, Fuchs S, Milo R. Revised estimates for the number of human and bacteria cells in the body. *PLoS Biol.* 2016;14:14 Available at: https://www.researchgate.net/publication/320507547_QA
What are pathogens and what have they done to and for us.

نتیجه گیری

در یک ستون جدید از روزنامه نیویورک تایمز نیکولاس کریستوف می‌پرسد: آیا وقتی ما چک‌هایی برای کمک به گوریل‌ها (یا توله سگ‌ها یا اسب‌های وحشی) می‌نویسیم به گونه خودمان خیانت می‌کنیم؟ آیا این کجروی است که برای فیل‌ها یا کرگدن‌ها یا حیوانات مزرعه در خانه بجنگیم در حالی که هنوز سالانه پنج میلیون کودک زیر پنج سال می‌میرند؟ نتیجه‌گیری کریستوف این است که همدردی‌های مختلف نباید در تقابل با یکدیگر قرار گیرند و این که همدردی یک منبع محدود نیست و این که همدلی یک بازی صفر مجموع نیست.

ده سال قبل از این، همان روزنامه نگار توجه‌ها را به پیامدهای تغییر آب و هوا جلب کرده بود که انتظار می‌رود باعث مشکلات اقتصادی و ورشکستگی شود که به ویژه روی بعضی از کشورهای فقیر کنونی تاثیر می‌گذارد و به طور بالقوه باعث آشوب و تنش‌های سیاسی می‌شود. در ستون قبلی کریستوف بیشتر در پی اشاره به این بود که چگونه آب و هوا، فرهنگ و فعالیت‌های انسانی مثل انواع جرم و انحراف می‌توانند تاثیر متقابل داشته باشند.

به مدت سال‌ها، جرم‌شناسی روی جرائم و آسیب‌های مرتکب شده به وسیله یا بر علیه انسان‌ها تمرکز کرده است. اگرچه مثال‌هایی مربوط به جرائم و آسیب‌های تاثیرگذار روی محیط زیست و گونه‌های غیرانسانی در کارهای قبلی می‌تواند یافت شود، اما تنها در بیست سی سال اخیر قوانین نگاه خود را برای در نظر گرفتن این مسائل واقعا گسترش داده است. چنین گسترشی جنبه‌های میان رشته‌ای جرم‌شناسی را افزایش داده است و اهداف آن را ارزشمندتر کرده و ارتباط آن را افزایش داده است. همان گونه که کریستوف در روزنامه نگاری خود در یک دهه گذشته نشان می‌دهد، جهان ما در محاصره مشکلات زیادی است و عکس‌العمل‌ها به سمت پاسخ‌های آسان تمایل دارند و منعکس کننده انحراف‌های موجود هستند. این‌ها چالش‌های پیچیده و در هم آمیخته‌ای هستند و جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی باید به شکل گسترده تری به درک ما از آن‌ها کمک کنند.

منابع

- Agnew, R. (2013). The ordinary acts that contribute to ecocide: A criminological analysis. In N. South, & A. Brisman (Eds.), *Routledge International Handbook of Green Criminology* (pp. 58–72). Abingdon, Oxon, UK: Routledge.
- Beirne, P. (2014). Theriocide: Naming Animal Killing. *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 3(2), 50–67.
- Beirne, P., & South, N. (Eds.) (2007). *Issues in Green Criminology: Confronting harms against Environments, humanity and other Animals*. Cullompton, UK: Willan.
- Bergin, T., & Orlando, E. (2017). *Forging a Socio-Legal Approach to Environmental Harms*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.
- Brisman, A. (2008). Crime-Environment Relationships and Environmental Justice. *Seattle Journal for Social Justice*, 6(2), 727–817.
- Brisman, A. (2014). Environmental and human rights. In G. Bruinsma, & D. Weisburd (Eds.), *Encyclopedia of criminology and criminal justice* (ed., Vol. 3) (pp. 1344–1353). New York: Springer Verlag.
- Brisman, A. (2015). Environmental Harm as Deviance and Crime. In E. Goode (Ed.), *The Handbook of Deviance* (pp. 471–487). Hoboken, NJ: Wiley.
- Brisman, A., & South, N. (2013). A green-cultural criminology: An exploratory outline. *Crime Media Culture*, 9(2), 115–135.
- Brisman, A., & South, N. (2014). *Green cultural criminology: Constructions of environmental harm, consumerism, and resistance to ecocide*. London and New York: Routledge.
- Brisman, A., & South, N. (2015). An Assessment of Tonry and Farrington's Four Major Crime Prevention Strategies as Applied to Environmental Crime and Harm. *Varstvoslovje, Journal of Criminal Justice and Security*, 17(2), 127–150. http://www.fvv.um.si/rV/arhiv/2015-2/02_Brisman_South_rV_2015-2.pdf

-Brisman, A., & South, N. (2017). Green Cultural Criminology, Intergenerational (In) equity and “Life Stage Dissolution.” . In M. Hall, J. Maher, A. Nurse, G. Potter, N. South, & T. Wyatt (Eds.), *Greening Criminology in the 21st Century: Contemporary Debates and Future Directions in the Study of Environmental Harm* (pp. 219-232). Surrey, UK: Ashgate.

-Brisman, A., & South, N. (2018). Environmental Crime. In M. Tenca, & E. M. Ortiz (Eds.), *Handbook of Crime Prevention and Citizen Security* (pp. 521-542). Buenos Aires: Ediciones Didot. [Published as: Brisman, Avi y South, Nigel (2018 ‘ Delitos ambientales en Tenca, Mariano y Mendez Ortiz, Emiliano (Coordinadores) *Manual de Prevención del Delito y Seguridad Ciudadana*. pp. 521-42. Buenos Aires: Ediciones Didot.]

-Brisman, A., South, N., & Walters, R. (2018). Southernizing green criminology: Human dislocation, environmental injustice and climate apartheid. *Justice, Power and Resistance*, 2(1), 1-21.

-Bullard, R. D. (1990). *Dumping in Dixie: Race, class, and environmental quality*. Boulder, CO: Westview Press.

-Bullard, R. D. (1994). Environmental justice for all. In R. D. Bullard (Ed.), *Unequal protection: Environmental justice and communities of color*. San Francisco: Sierra Club.

-Burns, R. G., Lynch, M. J., & Stretesky, P. (2008). *Environmental Law, Crime, and Justice*. New York, NY: LFB.

-Cianchi, J. (2015). *Radical environmentalism: Nature, identity, and more - than - human agency*. London: Palgrave Macmillan. Crook, M., Short, D., & South, N. (2018). Ecocide, genocide, capitalism and colonialism: Consequences for indigenous peoples and glocal ecosystems environments. *Theoretical Criminology*, 22(3), 298-317.

-de Prez, P. (2000). Excuses, excuses: the ritual trivialisation of environmental prosecutions. *Journal of Environmental Law*, 12(1), 65-77.

-Di Ronco, A., Allen - Robertson, J., & South, N. (2018). Representing environmental harm and resistance on Twitter: The case of the TAP pipeline in Italy. *Crime Media Culture*. <https://doi.org/10.1177/1741659018760106>. First Published March 7, 2018.

-Editorial. (2018). America's Federally Financed Ghettos. *The New York Times*. Apr. 8: SR8. Published online as "America's Federally Financed Ghettos" on Apr. 7, 2018, at <https://www.nytimes.com/2018/04/07/opinion/sunday/americas-federally-financed-ghettos.html>

-Ellefsen, R. (2018). Relational dynamics of protest and protest policing: strategic interaction and the coevolution of targeting strategies. *Policing and Society*, 28(7), 751-767.

-Ellefsen, R., Sollund, R., & Larsen, G. (Eds.) (2012). *Eco - global crimes: Contemporary problems and future challenges*. Surrey, UK: Ashgate.

-Estrada, A., Garber, P. A., Rylands, A. B., Roos, C., Fernandez - Duque, E., Di Fiore, A., Anne - Isola Nekaris, K. A - I., ... Li, B.(2017). Impending extinction crisis of the world's primates: Why primates matter. *Science Advances* 3(1), e1600946 [18 January]: 1-16. <https://doi.org/10.1126/sciadv.1600946>.

-Fitzgerald, A., & Baralt, L. B. (2010). Media constructions of responsibility for the production and mitigation of environmental harms: The case of mercury - contaminated fish. *Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice*, 52(4), 341-368.

-Flynn, M., & Hall, M. (2017). The case for a victimology of nonhuman animal harms. *Contemporary Justice Review*, 20(3), 299-318.

- Gibbs, C., Gore, M. L., McGarrell, E. F., & Louie Rivers, I. I. I. (2010). Introducing Conservation Criminology: Towards Interdisciplinary Scholarship on Environmental Crimes and Risks. *The British Journal of Criminology*, 50(1), 124-144.

- Goyes, D. R. (2018). 'Tactics Rebounding' in the Colombian Defence of Seed Freedom. *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 7(1), 91–107.
- Hall, M. (2013). *Victims of Environmental Harm: Rights, recognition and redress under national and international law*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.
- Hall, M. (2015). *Exploring green crime: Introducing the legal, social and criminological contexts of environmental harm*. London:Palgrave Macmillan.
- Hall, M., & Farrall, S. (2013). The criminogenic consequences of climate change: Blurring the boundaries between offenders and victims. In N. South, & A. Brisman (Eds.), *Routledge International Handbook of Green Criminology* (pp. 120-133). Abingdon, Oxon, UK: Routledge.
- Hall, M., Maher, J., Nurse, A., Potter, G., South, N., & Wyatt, T. (Eds.) (2017). *Greening Criminology in the 21st Century: Contemporary debates and future directions in the study of environmental harm*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.
- Halsey, M., & White, R. (1998). Crime, Ecophilosophy and Environmental Harm. *Theoretical Criminology*, 2(3), 345-371.
- Higgins, P., Short, D., & South, N. (2013). Protecting the planet: a proposal for a law of Ecocide. *Crime, Law and Social Change*, 59(3), 251-266.
- Jarrell, M. L., & Ozymy, J. (2012). Real crime, real victims: environmental crime victims and the Crime Victims' Rights Act (CVRA). *Crime, Law and Social Change*, 58(4), 373–389.
- Katz, R. (2010). The Corporate Crimes of Dow Chemical and the Failure to Regulate Environmental Pollution. *Critical Criminology: An International Journal*, 18(4), 295-306.
- Kramer, R. C. (2013). Carbon in the atmosphere and power in America: climate change as state - corporate crime. *Journal of Crime and Justice*, 36(2), 153–170.

-Kristof, N. (2008). Extended Forecast: Bloodshed. The New York Times. Apr. 13: WK14. Published online as “Extended Forecast: Bloodshed” on Apr. 13, 2008, at <https://www.nytimes.com/2008/04/13/opinion/13kristof.html>

-Kristof, N. (2018). Choosing Animals Over People. The New York Times. Apr. 8: SR9. Published online as “Choosing Animals Over People?” on Apr. 7, 2018, at <https://www.nytimes.com/2018/04/07/opinion/sunday/wildlife-central-africanrepublic.html>

-Lemieux, A. M. (Ed.) (2014). Situational Prevention of Poaching. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Lemieux, A. M., & Clarke, R. V. (2009). The International Ban on Ivory Sales and its Effects on Elephant Poaching in Africa. The British Journal of Criminology, 49(4), 451-471.

-Lie, M. S. B., & Sollund, R. (2017). Specieism and theriocide. In A. Brisman, E. Carrabine, & N. South (Eds.), The Routledge Companion to Criminological Theory and Concepts (pp. 386-390). Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Lynch, M. J., Long, M. A., Stretesky, P. B., & Barrett, K. L. (2017). Green Criminology: Crime, Justice, and the Environment. Oakland, CA: University of California Press.

-Lynch, M. J., & Stretesky, P. B. (2014). Exploring Green Criminology: Toward a Green Criminological Revolution. Surrey, UK: Ashgate.

-Lynch, M. J., Stretesky, P. B., & Long, M. A. (2015). Environmental justice: A criminological perspective. Environmental Research Letters, 10(8). [august]: 085008. <https://doi.org/10.1088/1748-9326/10/8/085008>

-Lynch, M. J., & Stretesky, P. B. (2003). The Meaning of Green: Contrasting Criminological Perspectives. Theoretical Criminology, 7(2), 217-238. <https://doi.org/10.1177/1362480603007002414>

-Maher, J., Beirne, P., & Pierpoint, H. (Eds.) (2017). The Palgrave International Handbook of Animal Abuse Studies. Basingstoke, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.

-Maher, J., & Sollund, R. (2016). Law enforcement of the wildlife trafficking: a comparative strengths, weaknesses, opportunities and threats analysis of the UK and Norway. *Journal of Trafficking, Organized Crime and Security*, 2(1), 82-99.

-McClanahan, B. (2014). Green and Grey: Water Justice, Criminalization, and Resistance. *Critical Criminology: An International Journal*, 22(3), 403-418.

-Moreto, W. D. (Ed.) (2018). *Wildlife crime: From theory to practice*. Philadelphia: Temple University Press

-Natali, L. (2010). The big grey elephants in the backyard of Huelva, Spain. In R. White (Ed.), *Global Environmental Harm: Criminological Perspectives* (pp. 193-209). Cullompton, Devon, UK: Willan.

-Nurse, A. (2013). *Animal Harm: Perspectives on Why People Harm and Kill Animals*. Surrey UK: Ashgate.

-Nurse, A. (2015). *Policing wildlife: Perspectives on the enforcement of wildlife legislation*. London: Palgrave Macmillan.

-Nurse, A. (2016). *An introduction to Green Criminology & Environmental Justice*. Thousand Oaks, CA: Sage.

-Passas, N. (2005). Lawful but Awful: 'Legal Corporate Crimes. *The Journal of Socio - Economics*, 34(6), 771-786.

-Pellow, D. N. (2004). The politics of illegal dumping: an environmental justice network. *Qualitative Sociology*, 27(4), 511-525.

-Rehagen, T. (2017). *Hanging by a Thread*. Emory Magazine (Winter). Accessed at: http://www.emory.edu/EMORY_MAGAZINE/issues/2018/winter/features/Megafana.html

-Rodríguez Goyes, D., & South, N. (2016). Land Grabs, Bio - Piracy and the Inversion of Justice in Colombia. *The British Journal of Criminology*, 56(3), 558-577.

-Rodríguez Goyes, D., & South, N. (2017). Green Criminology Before 'Green Criminology' : Amnesia and Absences. *Critical Criminology: An International Journal*, 25(2), 165-181.

-Ruggiero, V., & South, N. (2010). Green criminology and dirty - collar crime. *Critical Criminology: An International Journal*, 18(4), 251-262.

Salama, O., & White, R. (2017). Dissent, Litigation, and Investigation: Hitting the Powerful Where It Hurts. *Critical Criminology: An International Journal*, 25(4), 523-537.

Sergi, A., & South, N. (2016). 'Earth, Water, Air, and Fire' : Environmental Crimes, Mafia Power and Political Negligence in Calabria. In G. A. Antonopoulos (Ed.), *Illegal entrepreneurship, organized crime and social control: Essays in honor of professor dick Hobbs* (pp. 85-100). New York: Springer.

-Sollund, R. (Ed.) (2008). *Global harms: Ecological crime and speciesism*. New York: Nova Science Publishers, Inc.

-Sollund, R. (2013a). Animal Trafficking and Trade: Abuse and Species Injustice. In R. Walters, D. S. Westerhuis, & T. Wyatt (Eds.), *Emerging Issues in Green Criminology: Exploring Power, Justice and Harm* (pp. 72-92). Basingstoke, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.

-Sollund, R. (2013b). The victimization of women, children and non - human species through trafficking and trade: Crimes understood through an ecofeminist perspective. In N. South, & A. Brisman (Eds.), *Routledge International Handbook of Green Criminology* (pp. 317-330). Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Sollund, R. A. (Ed.) (2015). *Green harms and crimes: Critical criminology in a changing world*. London: Palgrave Macmillan.

-South, N. (2010). The ecocidal tendencies of late modernity: transnational crime, social exclusion, victims and rights. In R. White (Ed.), *Global Environmental Harm: Criminological Perspectives* (pp. 228-247). Cullompton, Devon, UK: Willan.

-South, N. (2016). Free Trade Agreements, Private Courts and Environmental Exploitation: Disconnected Policies, Denials and Moral Disengagement. *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 5(4), 45-59.

-South, N., & Beirne, P. (Eds.) (2006). *Green criminology*. Aldershot: Dartmouth.

-South, N., & Brisman, A. (2013). *Routledge International Handbook of Green Criminology*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Spapens, T., White, R., & Huisman, W. (Eds.) (2018). *Environmental Crime in Transnational Context: Global Issues in Green Enforcement and Criminology*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Spapens, T., White, R., & Kluin, M. (Eds.) (2017). *Environmental Crime and its Victims: Perspectives within Green Criminology*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Spapens, T., White, R., van Uhm, D., & Huisman, W. (Eds.) (2018). *Green Crimes and Dirty Money*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Stresteky, P. B., Long, M. A., & Lynch, M. J. (2014). *The Treadmill of Crime: Political Economy and Green Criminology*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Wachholz, S. (2007). 'At risk' : climate change and its bearing on women's vulnerability to male violence. In P. Beirne, & N. South (Eds.), *Issues in Green Criminology: Confronting harms against environments, humanity and other animals* (pp.161-185). Cullompton, Devon, UK: Willan.

-Walters, R. (2010). Eco crime. In J. Muncie, D. Talbot, & R. Walters (Eds.), *Crime: Local and Global* (pp. 171-208). Cullompton, Devon, UK: Willan, and Milton Keynes, UK: The Open University.

-Walters, R. (2011). *Eco Crime and Genetically Modified Food*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Walters, R., & Westerhuis, D. S. (2013). Green crime and the role of environmental courts. *Crime, Law and Social Change*, 59(3), 279-290.

-Walters, R., Westerhuis, D. S., & Wyatt, T. (Eds.) (2013). *Emerging Issues in Green Criminology: Exploring Power, Justice and Harm*. Basingstoke, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.

-Weinstock, A. M. (2017). A Decade of Social and Environmental Mobilization Against Mega - Mining in Chubut, Argentinian Patagonia. In D. R. Goyes, H. Mol, A. Brisman, & N. South (Eds.), *Environmental crime in Latin America: The theft of nature and the poisoning of the land* (pp. 141-162). London: Palgrave Macmillan.

-White, R. (2008). *Crimes Against Nature: Environmental criminology and ecological justice*. Cullompton, Devon, UK: Willan.

-White, R. (Ed.) (2009). *Environmental Crime: A Reader*. Cullompton, Devon, UK: Willan.

-White, R. (Ed.) (2010). *Global Environmental Harm: Criminological Perspectives*. Cullompton, Devon, UK: Willan.

-White, R. (2011). *Transnational environmental crime: Toward an eco - global criminology*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-White, R. (Ed.) (2012). *Climate Change from a Criminological Perspective*. New York: Springer.

-White, R. (2013). *Environmental harm: An eco - justice perspective*. Bristol, UK: Policy Press.

-White, R. (2017). Reparative justice, environmental crime and penalties for the powerful. *Crime, Law and Social Change*, 67(2), 117-132.

-White, R., & Graham, H. (2015). Greening Justice: Examining the Interfaces of Criminal, Social And Ecological Justice. *The British Journal of Criminology*, 55(5), 845-865.

-White, R., & Heckenberg, D. (2014). *Green criminology: An introduction to the study of environmental harm*. Abingdon, Oxon, UK: Routledge.

-Williams, C. (1996). Environmental victims: An introduction. *Social Justice*, 23(4), 1-6.

-Wyatt, T. (2013). *Wildlife Trafficking: A Deconstruction of the Crime, the Victims and the Offenders*. Basingstoke, Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.

-Wyatt, T., & Brisman, A. (2017). The Role of Denial in the ‘Theft of Nature’ : A Comparison of Biopiracy and Climate Change. *Critical Criminology: An International Journal*, 25(3), 325-341. <https://doi.org/10.1007/s10612-016-9344-5>. FirstOnline: 14 September 2016. [Available via Open Access at: <http://link.springer.com/article/10.1007/s10612-016-9344-5>.]

-Yates, R., Powell, C., & Beirne, P. (2001). Horse Maiming in the English Countryside: Moral Panic, Human Deviance, and the Social Construction of Victimhood. *Society and Animals*, 9, 1-23.

-Yeager, M. G., & Smith, J. L. (2017). Global Pollution, Multinational Oil Companies and State Power: The Case of *Yaiguaje v. Chevron Corporation*. In D. R. Goyes, H. Mol, A. Brisman, & N. South (Eds.), *Environmental crime in Latin America: The theft of nature and the poisoning of the land* (pp. 117-140). London: Palgrave Macmillan.